



بررسی و تحلیل میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با تاکید بر مدیریت محله (مطالعه موردی: محله جماران، ناحیه چهار، منطقه یک تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲۵ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۵

علی شماعی

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی
shamali@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

پرویز آقایی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی تهران
parviz.aghahi7@gmail.com

سامان حیدری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی تهران
saman_heydari2013@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: مشارکت در اجتماع محلی عامل مهم و موثری در مدیریت شهری جهت نیل به توسعه پایدار شهری است. بسترسازی لازم برای افزایش و تمایل میزان مشارکت مردم در امور محله از متغیرهای مدیریت بهینه شهری است. تحقیق حاضر، میزان مشارکت ساکنان محله جماران در مدیریت محله را بر اساس گروه‌گرایی، حس تعلق، سرمایه اجتماعی، تعاملات اجتماعی، احساس هویت، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و راهکارهایی برای جذب مشارکت مردمی در مدیریت محله پیشنهاد می‌کنند.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی-توسعه‌ای می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات به دو شیوه کتابخانه‌ای و پیمایشی (پرسشنامه) انجام گرفته است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۶۰ نفر انتخاب شده است.

یافته‌ها: میزان مشارکت ساکنان محله جماران در مدیریت محله، در سطح پایینی است؛ درحالی‌که تمایل به مشارکت در سطح بالایی قرار دارد. در میان افرادی که مشارکت می‌کنند بیش از ۵۰ درصد مربوط به بعد مشورتی است و مشارکت اقتصادی و فیزیکی کمترین میزان مشارکت را به خود اختصاص داده است. بین متغیرهای اجتماعی و مشارکت در مدیریت محله، ارتباط مثبت و معنی‌داری به دست آمده است به این معنی که با افزایش متغیرهای اجتماعی، میزان مشارکت نیز افزایش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری: امروزه شکل‌گیری اجتماعات محلی بر مبنای مشارکت مردم قرار دارد. در محله جماران بسترسازی لازم برای مشارکت ساکنان در مدیریت محله به عمل نیامده است، این در حالی است که ساکنان به مشارکت علاقه‌مندند و این نکته مهم به نظر می‌رسد که باید از توان‌های اجتماعات محلی علی‌الخصوص در زمینه مشارکت بهره جست. در این زمینه باید راهکارهایی ارائه شود که مردم به ویژه نخبگان توانایی مشارکت را داشته باشند و مدیریت محله در دست افراد خاصی قرار نگیرد و تمام مردم در مدیریت محله سهیم باشند.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت محله، مدیریت شهری، محله جماران

مقدمه

شهرگرایی و شهرنشینی همراه با رشد فزاینده مسائل انسانی و اجتماعی، از پدیده‌های عمومی و رایج کشورهای در حال توسعه است. جوامعی که از یک طرف فرآیند گذار از اقتصاد معیشتی و روستائی به اقتصاد نوین و شهری و از طرف دیگر نرخ بی‌سابقه مهاجرت‌های شهری و هجوم آکولوژیکی را تجربه می‌نمایند، چنین دوران را با تنوعی از مسایل و معضلات انسانی، اجتماعی و کالبدی سپری می‌کنند که مبین ناکارآمدی سیاست‌ها و شرایط ساختاری در ابعاد ملی و منطقه‌ای است. تا حد زیادی رشد مادر شهرها و کلان شهرهای ایران محصول سیاست‌های تمرکزگرا و به هم خوردگی تعادل‌های اقتصادی، اجتماعی و مهاجرت نیروهای انسانی فراوان به سمت شهرها و به خصوص شهرهای بزرگ است و لذا با توجه به رشد لجام گسیخته جمعیت انسانی و محدودیت‌های منابع شهری، بسیاری از مسایل و مشکلات شهری از قبیل مسکن، حمل و نقل، آلودگی، مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی و حاشیه‌نشینی به طرز بی‌رویه‌ای رشد یابد و بعضاً شاهد واژگونی منابع و خدمات شهری باشیم، بطوری‌که تا حد زیادی دایره و عرصه عمل خدمات‌رسانی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و تلاش در جهت حل مسایل شهری را بسیار محدود و تنگ نموده است. در تهران، در سال‌های اخیر با اهتمام مدیریت شهری و همکاری و تعامل نهادها و سازمان‌های زیربط، در قالب تشکیل و حمایت از فعالیت‌های شورایی‌های محلات، اقدامات بسیار خوبی در زمینه استفاده از ظرفیت مشارکت و همکاری شهروندان و توجه به اولویت‌ها و نیازهای محلی صورت گرفته است و فعالیت‌های دیگری نیز در این جهت به منظور اجرایی کردن رویکرد محله محوری در حال انجام است. یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمروایی خوب شهری، همان بعد مشارکت است چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومت مردمی استوار است یعنی حکومتی که در آن مردم اداره امور را بر عهده دارند (Dekker & Kempen, 2004, 4) از این‌رو مشارکت شهروندان در مدیریت شهرها و محل سکونت خود به عنوان یکی از مسایل شهرها ضروری می‌باشد. با توجه به مسائل مطرح شده و ضرورت عنصر مشارکت در مدیریت محله، محققین محله جماران در منطقه یک شهرداری تهران را به عنوان نمونه موردی انتخاب کرده‌اند و هدف اساسی از انتخاب این محله، سنجش میزان مشارکت در ابعاد مختلف آن است. محله جماران به عنوان یک محله با شرایط خاص سیاسی و مذهبی و همچنین به جهت قرار گرفتن در

پیشرفت روزافزون جوامع، معنای مشارکت را به تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی بسط داده است. در مدیریت محلی که بر اساس مشارکت واقعی شهروندان می‌باشد، برنامه‌ریزی به وسیله مردم، نه برای مردم آرمان است. (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۸). امروزه مشارکت در اجتماع محلی عامل مهم و موثری در مدیریت شهری محسوب می‌شود که در کشور ما به علت وجود نظام برنامه‌ریزی متمرکز از بالا به پایین، همواره مشارکت اجتماعی در حاشیه و یا به شکل صوری به اجرا در می‌آید؛ همین امر موجب شده است که حوزه عمومی (جز در مواردی) دچار ضعف باشد به بیان دیگر، دولت، اکثر حوزه‌ها را متعلق به خود دانسته و تصدی‌گری و اجرای ملزومات آن را بر عهده داشته است که این امر باعث مشارکت شهروندان به شکل صوری و حداکثر مشورتی می‌باشد و از سوی دیگر شهروندان نیز همواره دولت (به صورت عام) را مسئول و مجری بسیاری از وظایف و امور اجتماعی می‌دانند از آرمان‌های اصلی توسعه انسانی، توانمندسازی مردم است تا کارگزار در دگرگونی زندگی شخصی و اجتماعی‌شان شوند. همان‌گونه که آمارتیاسن می‌گوید، در اقدامات توسعه، مردم باید دیده شوند. فرصت مشارکتی داده شود که به طور فعال به سرنوشتشان شکل دهند و نه آنکه صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل نتایج برنامه‌های هرچند ماهرانه توسعه باشند (صرافی ۱۳۹۱). برنامه‌ریزی برای مشارکت دادن، حضور آگاهانه، معنادار شهروندان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی و محلی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و ضرورت‌های مدیران شهری است. در این میان نهادهای محلی مانند شوراهای شهرداری‌ها به دلایل مختلف در شکل‌گیری و ساماندهی مشارکت مردم به ویژه در مقیاس محلات و نواحی نقش ارزشمندی دارند (ذاکری ۹۰، ۵). در واقع حضور مردم برای حل مشکلات خود مردم امری لازم است در صورتی که مردم نخواهند یا نتوانند برای کمک به اداره امور شهر یا محله خود گام بردارند، احتمال اینکه مدیریت شهری نتواند مسائل حادی که شهر با آن روبروست را حل کند، بسیار است. از طرف دیگر اگر برنامه‌ریزان و مدیران امر شهری خواهان اجرا و تحقق برنامه‌های خود هستند باید آن‌ها را با محیط اجتماعی خود هماهنگ سازند و چنین امری تنها با مشارکت مردم به دلیل شناخت ژرف آن‌ها از نیازها، خواسته‌ها و محیط اجتماعی خود امکان‌پذیر است (علوی تبار ۱۳۷۸، ۱۲).

منطقه یک، به عنوان یک محله مرفه نشین مطرح است، بر این اساس سؤالات اصلی پژوهش شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- میزان مشارکت و تمایل به مشارکت ساکنان محله جماران در امور محله به چه میزان است؟
- ۲- آیا بستر لازم برای مشارکت شهروندان در امور محله فراهم شده است؟
- ۳- چه رابطه‌ای میان متغیرهای اجتماعی و مشارکت در مدیریت محله وجود دارد؟

اهداف پژوهش

اهمیت مشارکت شهروندان در مدیریت محله امروزه بیش از هر زمان دیگر مورد توجه مدیران، سیاست‌گذاران و مردم قرار گرفته است، به همین دلیل، هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان مشارکت ساکنان محله جماران در امور محله می‌باشد و اهداف جزئی که در راستای اهداف اصلی بررسی می‌شود به صورت زیر است:

- سنجش میزان مشارکت ساکنان در مدیریت محله
- تعیین ارتباط میان مشارکت و سایر متغیرهای پژوهش
- ارائه پیشنهادها و راهکارهایی جهت مشارکت ساکنان جماران در مدیریت محله

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

در زمینه مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و امور محله در چند دهه اخیر پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود. تفاوتی که این پژوهش با پژوهش‌های پیشین دارد علاوه بر محدوده مورد مطالعه در ابعاد مختلف مشارکت و همچنین ارتباط مشارکت با متغیرهای دیگر است که در پژوهش‌های قبلی به آن اشاره‌ای نشده است. زیاری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی، به بررسی مشارکت شهروندان و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک پرداخته‌اند. نمونه‌های موردی آن‌ها سه شهر «گله‌دار» در استان فارس، «ورزنه» در استان اصفهان و «هیدج» در استان زنجان بوده است. آن‌ها ابتدا پرسش‌نامه‌ای برای سنجش میزان مشارکت در شهرهای کوچک را تهیه کردند و در میان جامعه نمونه که ۲۵۵ نفر بالای شانزده سال بوده‌اند پخش کرده‌اند؛ این پرسش‌نامه‌ها را در محیط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت مردم در مدیریت شهری در سطح

ضعیفی قرار دارد. کاظمیان و همکاران (۱۳۸۹) در یک پژوهش به بررسی تأثیر الگوی شورایاری محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری پرداخته‌اند؛ این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در بین ۳۸۵ نفر شهروند به انجام رسیده و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه تحقیق نشان داده است که تأثیر الگوی مشارکتی شورایاری بر جامعه شورایاران بسیار بیشتر از جامعه شهروندان بوده است. نظریان و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروند مدار در ایلام پرداخته‌اند. در این مقاله نویسندگان مفهوم شهروند را مورد بررسی و نظام مدیریت شهری جدید را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در این پژوهش نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بین تحقق الگوی شهر شهروند مدار و مدیریت شهری کارآمد رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ و همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که بین عملکرد مدیریت شهری و تقویت روحیه شهروندی رابطه وجود دارد. هاشمیان و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد به این نتیجه رسیدند که مشارکت شهروندان در امور شهر مشهد تحت تأثیر عواملی مانند اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، سن، عضویت انجمنی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، رضایت از عملکرد شهرداری قرار دارد و در صورتی که شهرداری بتواند میزان رضایت شهروندان از خود را افزایش دهد و نگرش مثبتی در آنان ایجاد کند میزان مشارکت شهروندان افزایش خواهد یافت.

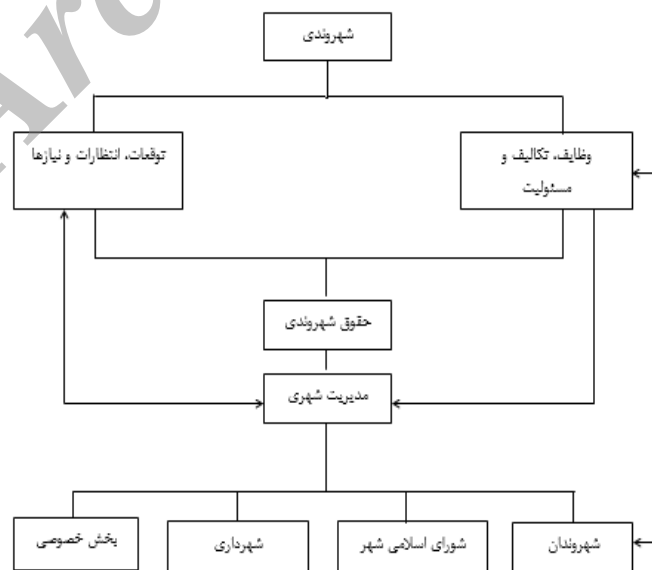
با متحول شدن نظریه‌های کلاسیک در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی نظریه‌های جدیدی مطرح شدند که توجه آن‌ها بیشتر به برنامه‌ریزی با مشارکت ذی‌نفعان می‌باشد؛ از جمله نظریه‌های جدید در برنامه‌ریزی می‌توان به نظریه برنامه‌ریزی وکالتی، برنامه‌ریزی مشارکتی، نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی، راست جدید و برنامه‌ریزی، نهادگرایی و برنامه‌ریزی و پراگماتیسم و نو پراگماتیسم و برنامه‌ریزی اشاره کرد. طرح مفهوم نظری الگوی «برنامه‌ریزی مشارکتی» در بیان کنونی آن، برای تحقق‌پذیرتر کردن اهداف و فرآیندهای برنامه‌ریزی و هدایت مؤثر نتایج حاصله نکته‌ای متأخر محسوب می‌شود و به تلاش‌های صورت گرفته در فرایند دموکراتیزه کردن جوامع در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بر می‌گردد (Hurwitz 1975). از نظر فرانسیس تیبالدز، هر تغییری در شهر ناراحت کننده است، اگر این تغییر

مشارکت بالایی را دارا هستند و این مشارکت برای اداره بهتر شهر می‌باشد (پاپلی یزدی و رجبی سانجردی ۱۳۸۳، ۳۲۴). ساختار مدیریت شهری باید مبتنی بر اصولی باشد که در واقع پی و شالوده این ساختار را به وجود می‌آورند این اصول عبارت‌اند از اصل تربیت شهری و آموزش شهروندان، اصل نظریاتی مداوم از شهروندان و نیز اصل جلب اعتماد بخش مردمی و خصوصی (مزینی ۱۳۷۹، ۵۲). نمودار شماره ۱، ارتباط میان مدیریت شهری و شهروندی و حقوق شهری را نشان می‌دهد.

سابقه علم مدیریت شهری به پیدایش شهر و ضرورت تدوین اصول و مقررات و قوانین زیستن انسان‌ها در کالبد زیستی، روانی و اجتماعی باز می‌گردد (کردی ۱۳۸۵، ۲۲). مدیریت جدید شهری تنها به معنای تهیه فهرستی از وظایف و فعالیت‌ها برای مدیران نمی‌باشد. این مدیریت شامل برخوردی نوین به مسئله مدیریت شهری است. شیوه‌ای است نوین از عملکرد یک سازمان، شیوه‌ای نوین در برخورد با دولت مرکزی، نهادهای غیردولتی، بخش خصوصی و مردم. این مدیریت به معنی مدیریت با پویایی بیشتر، خودکفایی مؤثر و فعال‌تر است. به جای وابستگی شهرداری‌ها به دولت مرکزی، خودکفایی به معنای اتکای حکومت‌های محلی به مهارت‌های فنی و تا حد امکان به منابع مالی خودی می‌باشد (IULA-EMME 1993, 11). با توجه به آنچه گفته شد مدیریت شهری باید با همکاری ذی‌نفعان و به خصوص شهروندان صورت بگیرد. نمودار شماره ۲، انواع ذی‌نفعان در مدیریت شهری را نشان می‌دهد.

به صورت غیرمنتظره و بدون اطلاع‌رسانی قبلی باشد، اوضاع بدتر می‌شود، به همین خاطر اهمیت حیاطی دارد که مردم از آنچه در حال رخ دادن است و از زمان و دلیل آن به طور کامل آگاه باشند. باسسته معتقد است فرایند تصمیم‌گیری شهری زمانی موجب منفعت مدیریت شهری می‌شود که شهروندان بیشتر به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها علاقه پیدا کنند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک زیادی به مدیریت شهری، شهروندان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌نماید (صرافی و عبدالمهدی ۱۱۵-۱۳۴).

مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنه-داری در حوزه برنامه‌ریزی بوده، برنامه‌ریزان شهری تلاش نمودند در تصمیم‌گیری‌های شهری از نظرات شهروندان مطلع شوند و با همکاری آنان برنامه‌های خود را عملی سازند. برنامه‌ریزان شهری معتقدند که مشارکت، باعث می‌شود شهروندان نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در شهر مسؤولیت پذیر گردند؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان، باعث می‌شود متولیان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (عباس زاده، ۱۳۸۷: ۷۲). در دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های اثبات‌گرایی منطقی، در شکل جهان‌شمولی مورد تردید قرار گرفت و اندیشه مشارکت مردم در امور شهرها مورد توجه واقع شد که حاصل آن آثار دیوید هاروی و تولد مکتب جغرافیای رادیکال بود (قوام ۱۳۸۱، ۱۴۸). نظریه مدیریت شهری از دیگر نظریات مرتبط با اصول شهروندمداری است مدیریت شهری نوعی دموکراسی و خود گرانی محلی است که مردم در آن



نمودار شماره ۱: ارتباط مدیریت شهر، شهروندی و حقوق شهری

منبع: (صرافى و عبدالهى، ۸۷: ۱۱۵-۱۳۴)



نمودار شماره ۲: انواع ذی‌نفعان

منبع: (Ubles et al 2010, 25)

مشارکت همه جانبه شهروندان در تهیه طرح‌های شهری عمل کرده است، اندیشه برنامه واحد بوده است و متولی تهیه آن هم اداره برنامه‌ریزی دولتی است (ذاکری ۱۳۸۹، ۲۴۶). دیویدف در مقاله خود پیشنهاد می‌کند که گروه‌های مختلف اجتماعی اجازه داشته باشند که طرح‌ها و برنامه‌های رقیب برای توسعه شهر، منطقه، یا محله پیشنهاد کنند. این طرح‌ها می‌توانند با هم رقابت کنند و از میان آن‌ها بهترین طرح یا برنامه برای توسعه انتخاب شود. با پذیرش کثرت‌گرایی در برنامه‌ریزی، واژه وکالتی معنا پیدا می‌کند، زیرا برنامه‌ریز به عنوان یک متخصص نقش وکیل اجتماعات شهری یا روستایی، گروه‌های شغلی، قومی و نژادی، شهرها، منطقه‌ها یا حتی کشورها را بر عهده بگیرند. نظریه وکالتی پیشگام نظریه‌هایی بود که بر اساس مفهوم مشارکت ساخته شدند و یک دهه پیش از رواج این نظریه‌ها حدقل در عرصه برنامه‌ریزی شهری کوشیدند تا به نقد برنامه‌ریزی سنتی بسنده نکنند و راهکارهایی برای نوعی برنامه‌ریزی کثرت‌گرا و مردم محور پیش آورند. در پایان لازم به یادآوری است که بر این دیدگاه نظری انتقاداتی وارد شده است (اجلالی ۱۳۹۱، ۲۱۸-۲۰۵).

نظریه مشارکتی: در باب مفهوم مشارکت ادبیات گسترده‌ای در دهه‌های اخیر تولید شده است که تمامی آن‌ها به ضرورت اتخاذ مکانیزم‌های انگیزشی در برنامه‌ریزی تاکید دارند که در تدوین بهینه اهداف و تحقق نتایج نهایی بسیار موثر است. مشارکت در اجتماع محلی بیانی جدید برای تعریف مفاهیم مرتبط بر حضور موثر اجتماعات محلی بود که به معنای دخالت مردم در ایجاد و مدیریت محیط زندگی خود تصور می‌شد (اجلالی ۱۳۹۱، ۲۲۱). فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی در جهت

در نظریه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهرها به دلیل وجود معضلات چون افزایش نابهنجاری‌های اجتماعی، کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، گسترش مشکلات اکولوژیکی اجتماعی و محیطی، نابرابری‌های شگرف اجتماعی - اقتصادی و در مجموع کاهش کیفیت زندگی، تمامی تلاش‌ها معطوف به استفاده از رویکرد راهبردی - مشارکتی شده است که رهیافت‌های حاکم بر آن را می‌توان در دو قالب فکری کلان و خرد تبیین کرد: الف- مدیریت متمرکز، اقتدارگرا در سطح کلان یا به تعبیری از بالا به پایین. ب- مشارکت جمعی، بسیج اجتماعی، برنامه‌ریزی مشارکتی یا از پایین به بالا. دیدگاه دوم می‌تواند منجر به کشف و ایجاد ظرفیت‌های نهادی، تقویت اجتماعات محلی، توسعه مدیریت راهبردی - مشارکتی، بسیج منابع انسانی و تمرکززدایی گردد که در نهایت اعتلای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری را سبب می‌شود (عبدالهی و دیگران ۱۳۸۹، ۸۴).

نظریه‌های مشارکتی

در نظریه‌های سنتی برنامه‌ریزی (رویکرد سیستمی و مارکس گرایی) جایگاهی برای مشارکت شهروندان در نظر گرفته نشده و به مشارکت گروه‌های مردمی اعتباری قائل نشده است؛ اما در نظریه‌های جدید برنامه‌ریزی (وکالتی و مشارکتی) بحث مشارکت شهروندان مطرح می‌شود و هر کدام از این مکاتب به نحوی مشارکت شهروندان را مدنظر قرار می‌دهند.

نظریه وکالتی: برنامه‌ریزی وکالتی اصطلاحی بود که نخستین بار پال دیویدف در مقاله‌ای در مجله انجمن برنامه‌ریزان آمریکا به کار برد. دیویدف اعتقاد داشت که یکی از شیوه‌های عملی که تاکنون به عنوان مانع

محدوده مورد مطالعه

منطقه یک شهرداری، در بلندای تهران و با وسعتی حدود ۶۴ کیلومترمربع بر اساس داده‌های آماری حدود ۳۷۹۹۶۲ نفر جمعیت را در خود جای داده است. این در حالی است که انبوه ساختمان‌های آماده و نیمه وقت در آینده‌ای نزدیک جمعیت منطقه را به مرز ۵۰۰ هزار نفر خواهد رساند. مختصات جغرافیایی این منطقه از طرف شمال محدود به ارتفاعات ۱۸۰۰ متری دامنه جنوبی کوه‌های البرز، از جنوب به بزرگراه شهید چمران حد فاصل دو راهی هتل آزادی و بزرگراه مدرس و پل آیت‌الله صدر و از غرب به اراضی رودخانه درکه و از شرق نیز به انتهای بزرگراه ارتش - کارخانه سیمان و منبع نفت شمال شرق تهران محدود می‌شود.

جماران در ۲ کیلومتری شمال شرقی تجریش و در دامنه جنوبی سلسله جبال البرز مرکزی واقع است، این محل از سمت شمال به حصارک و از شرق به منظریه، از جنوب به جوزستان و از جانب غرب به دره جنوبی و حومه امامزاده قاسم منتهی می‌شود. از تحولات مهم این محل که باعث رشد جمعیت در این محل شد می‌توان به انقلاب اسلامی و مهم‌تر از آن ساکن شدن رهبر معظم انقلاب امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۹ در این محل اشاره نمود. از خصوصیات منحصر به فرد این محله می‌توان گفت که محله‌ای فوق‌العاده قدیمی و شاید جز اولین محلات شمیران است؛ و در زمان انقلاب امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این محله زندگی می‌کردند و اکنون نیز محل زندگی ایشان به همان شکل حفظ شده است و جز محلات با طبقه‌بندی امنیتی فوق‌العاده بالا می‌باشد و تقریباً تعداد زیادی از ساکنین آن نیز از نسل بومیان قدیم این محل می‌باشند و به دلیل وجود مسایل سیاسی و پاره‌ای از ممنوعیت‌ها بافت قدیم آن دست نخورده باقی مانده است. جمعیت محله جماران ۶۴۶۶ نفر می‌باشد (سند راهبردی محله).

داده‌ها و یافته‌های پژوهش

بررسی ویژگی‌های دموگرافی

بر اساس مطالعات میدانی صورت گرفته ۵۵/۶ درصد پرسش شوندگان را مرد و ۴۴/۴ درصد پرسش شوندگان را زنان تشکیل می‌دهند. از لحاظ سنی بیشتر پرسش شوندگان بین ۴۵-۶۴ ساله هستند و ۵۳/۴ درصد پرسش شوندگان نیز مجرد هستند. حدود ۲۵/۷ درصد پرسش شوندگان دارای مشاغل خدماتی و ۲۴/۴ درصد نیز دارای مشاغل دولتی هستند در مجموع فقط

پایدار ساختن الگوی مشارکت باید دارای خصیصه‌های زیر باشد (رفعیان ۱۳۸۵):

منطقی باشد: بدین منظور که ابتدا اصل موضوع و مشکل به صورت عمیق شناخته شود، شیوه‌های مختلف مشارکت و راه‌حل‌های مورد نظر تحلیل و بررسی گردد. جامع باشد: بدین معنی که گروه‌های ذی‌نفع شامل مردم محلی، گروه‌های داوطلب، بخش خصوصی یا عمومی به طور فعال در مشارکت شرکت کنند و خود را جزئی از فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری تلقی کنند.

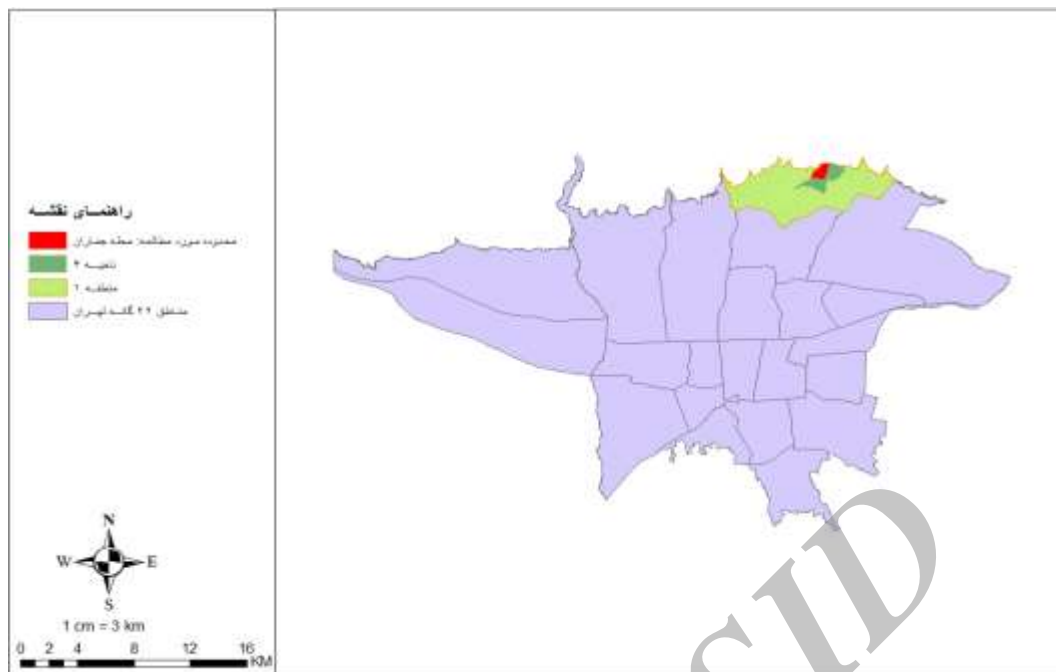
شفاف باشد: اطلاعات باید در دسترس، تحقیق و قابل بازبینی، منابع قدرت و تأثیرگذاری قابل مشاهده و آماده فعالیت باشند.

موثر باشد: تصمیماتی که در این فرایند اخذ می‌گردد قابلیت اجرایی و تأثیرگذاری داشته باشند، بدین معنی که وظایف و مسئولیت‌ها شفاف و برنامه واقعی، عملی و قابل اجرا و مشارکت پذیر باشند.

استفاده از فرایند مشارکتی فقط یک آرمان زیبا نیست. بلکه می‌تواند سبب بهینه‌سازی فرایند و بهبود نتیجه طرح‌ها گردد. هورویتز (۱۹۷۵) اعتقاد داشت مردم می‌باید در همه فرایندهای برنامه‌ریزی محله‌ای از شروع مرحله آگاهی تا تحقق نتایج و اجرای برنامه‌ها حضور مستمر و تعریف شده‌ای داشته باشند تا مسئولیت نتایج را نیز بتوانند بر عهده بگیرند در مواردی نیز نهادهای محلی در اشتراک مسئولیت خود می‌توانند مداخله نمایند (اجلالی ۱۳۹۱، ۲۲۷).

روش پژوهش

پژوهش از لحاظ هدف کاربردی-توسعه‌ای و روش آن توصیفی تحلیلی می‌باشد که ابتدا به روش کتابخانه-ای و سپس با بهره‌گیری از ابزارهای پیمایش (پرسشنامه) انجام گرفته است. محدوده جغرافیایی مورد نظر محله جماران می‌باشد. برای بررسی میزان مشارکت ساکنان، از پرسشنامه استفاده و سپس اطلاعات به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. حجم نمونه نیز از طریق فرمول کوکران ۳۶۰ نفر می‌باشد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده نموده که در مجموع ۰/۸۱ حاصل گردید که نشان دهنده پایایی بالای ابزار بوده است. در تحلیل داده‌ها علاوه بر تجزیه و تحلیل توصیفی، از آمار استنباطی پیروسون نیز جهت برقراری همبستگی بین شاخص‌های پژوهش بهره گرفته شده است.



شکل شماره ۱. محدوده مورد مطالعه

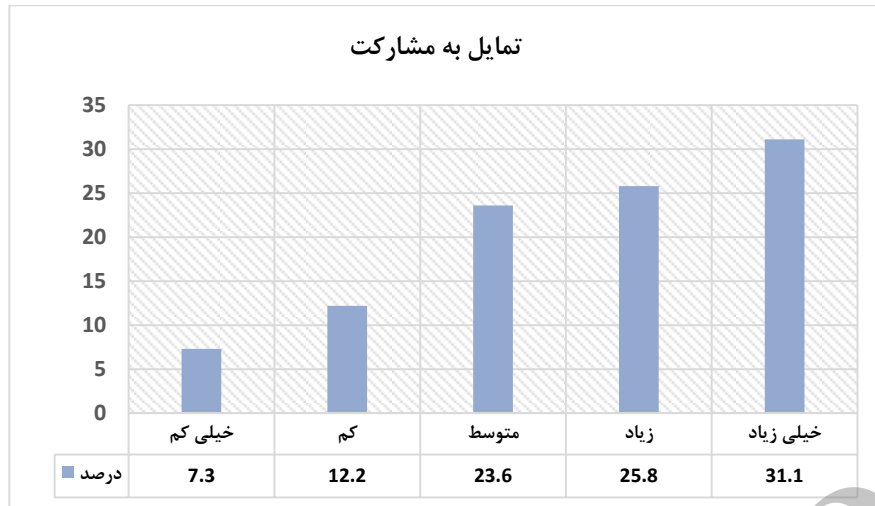
جدول شماره ۱. اطلاعات کلی پرسش شوندهگان

۳/۶ درصد از پرسش شوندهگان بیکار هستند که نشان‌دهنده‌ی وضعیت مطلوب محله از لحاظ اشتغال است. ۳۶/۸ درصد از حجم نمونه را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای مدرک تحصیلی دیپلم می‌باشند و همچنین ۳/۳ درصد از پرسش شوندهگان را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دهند. در جدول شماره ۱، اطلاعات پرسش شوندهگان به صورت کامل شرح داده شده است.

میزان تمایل ساکنان به مشارکت در امور محله

مردم زمانی که به مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن مقامات دولتی اعتماد داشته باشند، تمایل بیشتری به مشارکت در اداره امور خواهند داشت، بالعکس، زمانی که شهروندان یک جامعه اطمینان از اثرگذاری مشارکت خود بر تصمیمات و اقدامات دولت و دولت‌مردان را از دست بدهند، جامعه با پدیده بی‌اعتمادی مواجه می‌شود و درصد مشارکت کمتر می‌شود.

ویژگی‌های دموگرافی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
جنس			
مرد	۲۰۰	۵۵.۶	۵۵.۶
زن	۱۶۰	۴۴.۴	۱۰۰
سن			
۱۵-۳۰	۶۹	۱۹.۳	۱۹.۳
۳۰-۴۵	۸۳	۲۲.۹	۴۲.۲
۴۵-۶۴	۱۱۶	۳۲.۲	۷۴.۴
بیشتر از ۶۴	۹۲	۲۵.۶	۱۰۰
وضعیت			
مجرد	۱۹۳	۵۳.۴	۵۳.۴
متاهل	۱۶۷	۴۶.۶	۱۰۰
تأهل			
بیکار	۱۳	۳.۶	۳.۶
خانه‌دار	۵۶	۱۵.۶	۱۹.۲
دانشجو	۳۴	۹.۵	۲۸.۷
وضعیت			
خدماتی	۹۳	۲۵.۷	۲۵.۷
دولتی	۸۸	۲۴.۴	۵۰.۱
فعالیت			
کشاورز	۷	۱.۹	۸۰.۷
بازنشسته	۶۹	۱۹.۳	۱۰۰
بی‌سواد	۱۲	۳.۳	۳.۳
زیر دیپلم	۹۳	۲۵.۸	۲۹.۱
دیپلم	۱۳۲	۳۶.۸	۶۵.۹
تحصیلات			
لیسانس	۸۶	۲۳.۸	۸۹.۷
فوق لیسانس و بالاتر	۳۷	۱۰.۳	۱۰۰
مجموع	۳۶۰	۱۰۰	۱۰۰



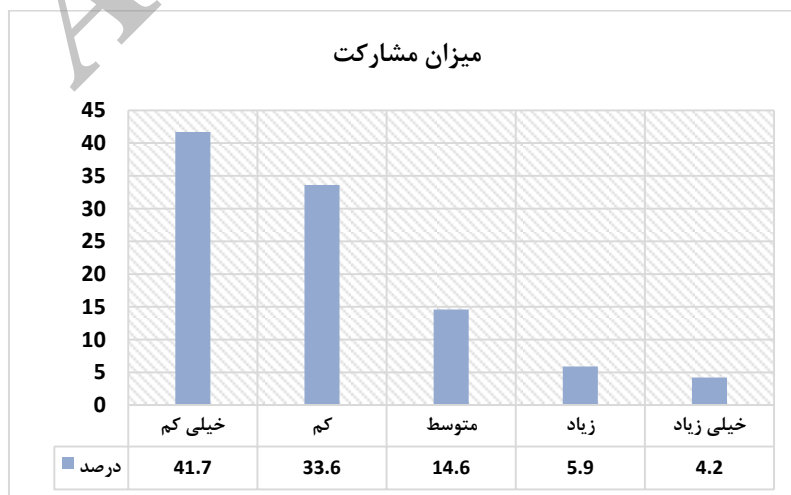
نمودار شماره ۳. میزان تمایل ساکنین به مشارکت

عرصه‌های رسمی، مشارکت‌جو نیستند. این نکته معنای فنی و تخصصی مشارکت اجتماعی را با خصایص هدفمند بودن، آزادی انتخاب و... پیچیده می‌سازد و نشانگر پیش‌شرطها و الزامات خاصی است که در برنامه‌ریزی و طراحی الگوهای مشارکتی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، مدیریتی بایستی شناسایی و مدنظر قرار گیرند. نمودار شماره ۴ گویای آن است که حدود ۷۵ درصد پاسخگویان، کم و یا خیلی کم در برنامه‌ها و مدیریت محله مشارکت داشته‌اند. این در حالی است که حدود ۵۷ درصد اهالی تمایل به مشارکت (زیاد و خیلی زیاد) دارند. می‌توان با ایجاد شرایط مناسب زمینه را برای جذب حداکثری اهالی به دست آورد. میزان مشارکت ساکنان در هر کدام از ابعاد نیز در نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.

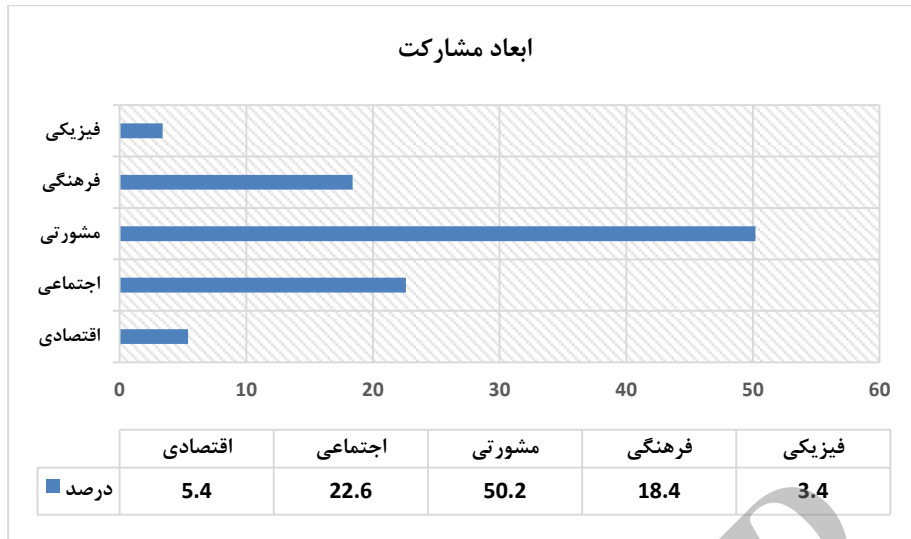
همان‌گونه که در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است ۳۱/۱ درصد از ساکنان محله تمایل خیلی زیادی و ۲۵ درصد تمایل زیادی به مشارکت در سطح محله دارند و تنها حدود ۲۰ درصد از اهالی محله، کم و خیلی کم تمایل به مشارکت دارند. نمودار فوق گویای آن است که مدیریت محله می‌تواند مشارکت مردم را در سطح بالایی به دست آورد اگر بتواند بسترسازی لازم را انجام دهد.

میزان مشارکت ساکنان در برنامه‌های مدیریت محله

یکی از ابعاد مشارکت، حضور و توانایی اظهار نظر شهروندان در اداره امور شهری است. مشارکت اجتماعی به دلایل گوناگون تاریخی و فرهنگی در ایران دارای تناقضی ریشه‌دار است. این تناقض نشان می‌دهد که ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی سخت مشارکت‌جو بوده‌اند، لیکن در



نمودار شماره ۴. میزان مشارکت در امور محله



نمودار شماره ۵. میزان مشارکت شهروندان در ابعاد مورد بررسی

سطح بالایی (زیاد و خیلی زیاد) صورت گرفته است. زمانی می‌توان مشارکت شهروندان را به دست آورد که مسئولین درصدد انتقال قدرت به اجتماعات محلی باشند و تا زمانی که این بسترسازی صورت نگیرد نمی‌توان مشارکت اکثریت ساکنان را به دست آورد. همان‌گونه که در نمودار بالا مشخص است مسئولین و مدیران محله چماران نتوانسته‌اند این بسترسازی را ایجاد کنند.

همبستگی میان متغیرهای اجتماعی و مشارکت

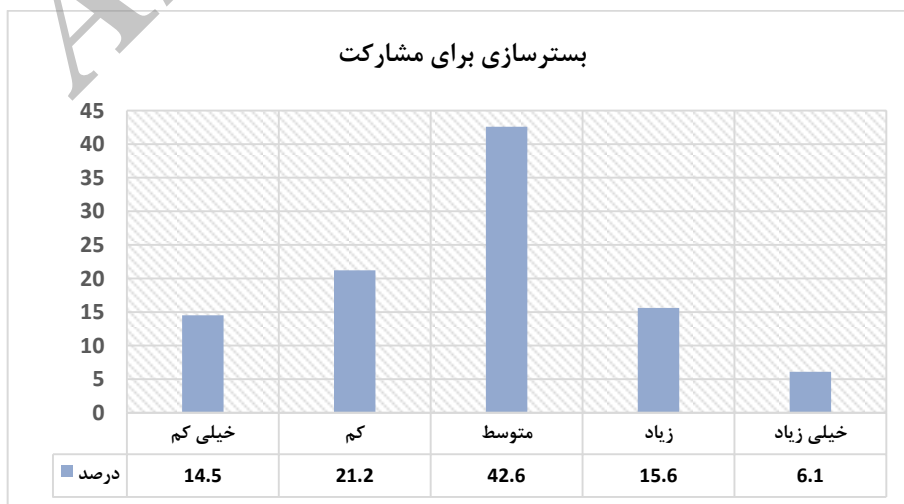
با استفاده از آزمون پیرسون، همبستگی میان مشارکت و متغیرهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته شده است. دلیل استفاده از آزمون پیرسون به دلیل نرمال بودن و همچنین، فاصله‌ای بودن مقیاس داده‌ها است.

مشارکت ساکنان در محله چماران بیشتر به شکل مشورتی (۵۰/۲ درصد) بوده است و مشارکت فیزیکی و اقتصادی در سطح پایینی قرار دارد که در نمودار شماره ۵ نمایان است.

بسترسازی مدیران برای مشارکت ساکنان

تصمیم‌سازی مشارکتی ناظر بر سطحی از قدرت تقسیم شده است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی انسان بروز یابد. امروزه در برنامه‌ریزی‌ها، مشارکت مردم از اهم موضوعات است و باید برای ارتقای مشارکت مردم تلاش‌های بیشتری صورت گیرد تا توانایی‌های افراد شکوفا شود.

در محله چماران تنها ۲۲ درصد از مردم اعتقاد دارند که بسترسازی برای مشارکت در این محله در



نمودار شماره ۶. بسترسازی برای مشارکت شهروندان در امور محله

جدول شماره ۲. ارتباط میان مشارکت و متغیرهای اجتماعی با استفاده از آزمون پیرسون

شاخص‌ها	گروه گرایی	حس تعلق	سرمایه اجتماعی	تعاملات اجتماعی	احساس هویت
گروه گرایی	۱				
p- مقدار					
حس تعلق	۰.۴۲۳	۱			
p- مقدار	۰.۰۰۰				
سرمایه اجتماعی	۰.۳۱۷	۰.۳۴۶	۱		
p- مقدار	۰.۰۰۶	۰.۰۰۲			
تعاملات اجتماعی	۰.۴۸۴	۰.۴۱۱	۰.۲۴۲	۱	
p- مقدار	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۲۴		
احساس هویت	۰.۴۰۲	۰.۲۰۱	۰.۳۷۳	۰.۳۲۱	۱
p- مقدار	۰.۰۰۰	۰.۰۲۷	۰.۰۰۱	۰.۰۰۵	
مشارکت (متغیر وابسته)	۰.۵۲۳	۰.۵۱۹	۰.۴۹۱	۰.۴۴۵	۰.۵۳۴
p- مقدار	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

می‌توان ادعا کرد (با توجه به پاسخ ساکنان) که بسترسازی لازم برای مشارکت شهروندان به وجود نیامده است؛ حداقل در مراحل اولیه می‌بایست با کمک نهادهای دولتی و افزایش آگاهی ساکنان، این بسترها فراهم شود. عوامل مختلفی در مشارکت ساکنان دخیل‌اند که یکی از این عوامل متغیرهای اجتماعی است؛ بطوریکه با افزایش شاخص‌های پایداری اجتماعی در سطح محله، مشارکت نیز افزایش خواهد یافت. در محله جماران با توجه به پتانسیل‌های نیروی انسانی و علاقه ساکنان به مشارکت در امور محله، می‌بایست با یک برنامه‌ی همه جانبه بسترهای لازم برای مشارکت ساکنان فراهم شود.

پیشنهادها

- ایجاد بسترهای لازم جهت مشارکت، از طریق واگذاری قدرت و منابع به ساکنان محله به ویژه نخبگان علمی
- ارتقاء و تقویت سرمایه‌های اجتماعی محله به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت
- برگزاری جلسات مستمر مدیران محله و ساکنان با توجه به علاقه ساکنان به مشارکت‌ها
- شناسایی و توجه بیشتر به پتانسیل‌های نیروی انسانی محله و تهیه بانک اطلاعاتی
- آموزش و فرهنگ‌سازی مردم در برنامه‌های مذهبی و جشن‌ها

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که میان متغیرهای اجتماعی و مشارکت ساکنان محله جماران در امور محله، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ به این معنی که هر چه متغیرهای مستقل بیشتر شوند به همان میزان مشارکت نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس. همچنین در میان متغیرهای مستقل نیز ارتباط درون گروهی مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

مشارکت در مفهوم عام و مشارکت شهروندی در مفهوم خاص، هرچند که همواره امری مطلوب شناخته شده است، اما به دلیل پیچیدگی این فرآیند، دستیابی به آن در عمل همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. در نتیجه، این امر به تجربه‌های ناموفقی انجامیده که با نارضایتی شهروندان و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مسائل شهری همراه بوده است تا آنجا که گاه مشارکت تنها در نوشتن برنامه‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی دیده می‌شود و تحقق آن به مرحله عمل و اقدام نمی‌رسد. به دلیل مشکلات و معضلات گوناگونی که در شهرها و در رأس آن کلان‌شهر تهران در چندین سال گذشته به وجود آمده است، یکی از راه‌های برون‌رفت از این مشکلات، مشارکت شهروندان در مدیریت محله است. یکی از محلات کلان‌شهر تهران محله جماران است که ساکنین آن مشارکت نسبتاً پایینی را در مدیریت محله دارند؛ این در حالی است که تمایل ساکنین به مشارکت در سطح بالایی قرار دارد. در یک نتیجه کلی

منابع و مأخذ

- ۱) اجلائی، پرویز. (۱۳۹۱). نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید، تهران، انتشارات آگه
- ۲) آریانپور کاشانی، عباس. (۱۳۷۴). فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی، تهران، نشر سپهر
- ۳) برک پور، ناصر و ایرج اسدی. (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهر، تهران: دانشگاه هنر
- ۴) برک پور، ناصر. (۱۳۸۲)، واژگان شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۷۲
- ۵) پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجرودی. (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت
- ۶) پوپر، کارل (۱۳۶۹)، جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه: علی اصغر مهاجری، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۷) حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵). «برنامه‌ریزی محله مینا» رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، دوره اول، شماره ۲۶، تابستان
- ۸) طالب، مهدی. (۱۳۷۵). مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۹) ذاکری، هادی. (۱۳۸۹). کتاب آموزشی مدیریت محله، شرکت سفیر هوای تازه
- ۱۰) ذاکری، هادی (۱۳۹۰). مدیریت محله، انتشارات مدیران، تهران
- ۱۱) زیاری، کرامت الله. (۱۳۸۸). مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری، انتشارات بین‌المللی چاپ‌بهار
- ۱۲) زیاری، کرامت الله و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج)، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲۲
- ۱۳) سند راهبردی محله جماران: ۱۳۹۰
- ۱۴) صرافى، مظفر. (۱۳۸۳). مفهوم و مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره دوم، تهران، تابستان.
- ۱۵) صرافى، مظفر و مجید عبدالمهدی. (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳
- ۱۶) عباس زاده، محمد. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، استادان راهنما: دکتر رسول ربانی و دکتر وحید قاسمی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان
- ۱۷) عبدالمهدی، مجید و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تاکید بر شرایط محله‌های شهر ایران، پژوهش‌های جغرافیا انسانی، شماره ۷۲
- ۱۸) علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۸). مشارکت شهروندان تأمین ایمنی شهر، ماهنامه شهرداری‌ها، دوره جدید، سال اول، ش ۱۰، (مقدمه)
- ۱۹) علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۹). الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور.
- ۲۰) عمید، حسن. (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۲۱) قریب، محمد. (۱۳۶۱). واژه‌نامه نوین، تهران، انتشارات بنیاد.
- ۲۲) قوام، احمد. (۱۳۸۱)، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران: انتشارات قومس
- ۲۳) کاظمیان، غلامرضا، فریده حق شناس کاشانی و رضا شادمان فر. (۱۳۸۹) بررسی تأثیر الگوی شورایی محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳
- ۲۴) کردی، عبدالرضا. (۱۳۸۵)، اصول و مبانی خلاقیت در مدیریت شهری، مجله شهرداری‌ها، شماره ۷۵
- ۲۵) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۳). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره یک، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۶) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰). بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و روان‌شناختی اخلاق و وجدان کار، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۷) مجموعه دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات شهران. (۱۳۸۹). معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
- ۲۸) مرکز مطالعات و پژوهش اداری. (۱۳۶۴). دولت محلی در کشورهای اندونزی، استرالیا، مالزی، بخش اول
- ۲۹) مزینی، منوچهر. (۱۳۷۹)، شهرداری، شوراها و مدیریت شهری در ایران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲

- ۳۰) میرموسوی، سید علی (۱۳۷۵). مبانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، نقد و نظر سال دوم، شماره سوم و چهارم، تابستان و پائیز. (مقدمه)
- ۳۱) نظریان، اصغر و دیگران (۱۳۹۰)، توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروندمدار در ایران، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۱۶
- ۳۲) هاشمی، فضل‌الله (۱۳۷۱) مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی شهری و منطقه‌ای، نشریه آبادی، ش ۸.
- ۳۳) هاشمیان، مریم؛ بهروان، حسین؛ نوغانی؛ محسن (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال دهم، ۱۷۴-۱۹۵
- 34) Campbell, S. (1997). Reading in Planning Theory, Oxford.
- 35) Dekker, K & Kempen, R (2004). Urban Governace within the big cities policy. journal of citice. vol 21. pp 41-55
- 36) Habermas, J. (1994). "Citizenship and National identity" in B. van steenberergen, ed., and the condition of citizenship. London
- 37) Hamilton Peter. (1983). Talcott Parsons, Routledge London. February, P.74
- 38) Holton Robert. (1989). Bryan-Turner "Max Weber on Economy and Society" Routledye, London
- 39) Hurwitz, J. G. (1975) "Participatory Planning in an Urban Neighbourhood ", DMG journal, Vol. 9, No. 4, pp. 357-384
- 40) IULA- EMME, (1993), Urban Management Development, IULA-EMMEMED -URBS, Istanbul
- 41) Gulling Worth, J.B. (1997). Planning in USA. London: Routledge.
- 42) Turner B. S. (1990). "Outline of a theory of citizenship" in B. S Turner and P. Hamilton, ed., citizenship critical concepts, London: rout ledge.
- 43) Ubels, Jan, Acquaye-Baddoo, Naa-Aku, and Fowler, Alan (2010) Capacity Development in Practice, Earthscan